



سلسله کتب آموزشی ویژه‌ی عمره‌ی دانشجویی

(۶)

## طریق تفاهم

• نقد گفتمان

نگارش :

علی بابایی آریا

زیر نظر دکتر محمد تقی فخلعی



اسم کتاب: آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی

مؤلف: علی بابایی آریا

زیر نظر: دکتر محمد تقی فخلعی

ناشر: فقاہت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۶

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپخانه: سلیمان زاده

شابک: + - ۴۴ - ۷۹۱۱ - ۹۶۴

## اهداء

این کتبه نیشته ناسزاوار را  
به آستان سبز پیشوای مهربان و بازمانده فدا در زمین  
آقای تنها و تنها آقای مهدی علیه السلام  
پیش می‌کشم.

علی بابائی آریا  
مشهد مقدّس



## آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی

### مقدمه

پیش‌گفتار (به قلم دکتر محمد تقی فخلعی)

۱. مقصود از تقریب مذاهب اسلامی چیست؟

۲. اصول و مبانی تقریب کدام است؟

۱-۲. پذیرش کثرت و اختلاف؛

۲-۲. اعتقاد به گفت‌وگو؛

۲-۳. تأکید بر مشترکات؛

۲-۴. رعایت اخلاق اسلامی؛

۳. آیا تقریب مذاهب اسلامی ممکن و جایز است؟

۱-۳. امکان تقریب مذاهب اسلامی؛

۲-۳. روا بودن تقریب مذاهب اسلامی؛

۴. موانع تقریب کدام است؟

۱-۴. موانع اخلاقی؛

۲-۴. جهالت؛

۳-۴. تعصب جاهلانه؛

۴-۴. دسیسه دشمنان؛

۵. مراسم سالانه حج و گردهم‌آیی میلیون‌ها انسان

مسلمان در حرمین شریفین چه نقشی در تقریب مذاهب

اسلامی می‌تواند داشته باشد؟

فهرست منابع



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«ان هذه امتکم امة واحدة»

در سالی که با طلوعه هفته وحدت آغاز و با شعار سراپا شعور اتحاد ملی و انسجام اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب مزین شده است، زهی سعادت که گامی دیگر در راه تحقق وحدت عملی و آرمانی بخشهای مختلف است اسلامی از طریق تقویت گفتمان تفاهم بین مذاهب، گرایشها و جریانهای مختلف حاضر در بلاد اسلامی برداریم. این مهم با پژوهش و نگارش مجلداتی دیگر از سری کتب آموزشی عمره دانشجویی به انجام رسیده و بعنوان هدیه‌ای علمی به دانش‌وران و فرهیختگان این سرزمین پیشکش می‌گردد تا زمینه ساز تعمق و تأمل بیشتر در بینش‌ها و نگرش‌های ناب اسلامی شود که جملگی برگرفته از دو منبع نورانی قرآن و سنت است؛ قرآنی که ثقل اکبر و هدایت‌گر برتر است و سنتی که ثقل کبیر و دربردارنده سیره پیامبر و خاندان اطهرش.

در شرایطی که استکبار جهانی و استبداد بین‌الملل با تمام عده و عده کمر به تفرقه و جدایی میان صفوف امت اسلامی بسته و انسجام اسلامی ملتها و دولتهای مسلمان را نشانه رفته است، بی‌شک، حیاتی‌ترین راهبرد هر یک از جوامع اسلامی تمسک به جبل‌المتین وحدت زیر سایه کلمه توحید می‌باشد و در این میانه، بایستی به طرح و گسترش گفتمان تفاهم و همگرایی و دوری از گفتمان نفرت و جدایی و تکفیر و چند صدایی روی آورده و حربه

زنگ زده استعمارگران پیرو جوان را که سوار بر مرکب بی‌مهاری جهالت و خشونت، روزانه دهها تن از فرزندان امت اسلامی را به خاک و خون می‌کشد از کار بیندازیم.

از دانشجویان و دانشگاهیان گرامی انتظار می‌رود که با مطالعه دقیق مطالب این سلسله متون، ضمن آمادگی برای شناساندن تفکر جذاب شیعی و پاسخگویی به پرسشها و شبهه‌های طرح شده از سوی دوستان و دشمنان و دفاع از عقیده و آرمان جامعه ایرانی به عنوان امت وسط قرآنی، در جهت غنای اینگونه آموزشها ما را یاری رسانند.

جا دارد در اینجا از همه دست‌اندرکاران و فعالان عرصه عمره دانشجویی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و مدیریت‌های فرهنگی دانشگاهها که برای وصول به عمره‌ای معنوی‌تر و مؤثرتر می‌کوشند قدردانی کنیم.

با آرزوی توفیق الهی

اداره کل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



### پیشگفتار

- ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/ ۱۸ و ۱۷)
- سفر به بیت الله الحرام و حضور در سرزمین پاک حرمین به انگیزه انجام مراسم پر رمز و راز حج و عمره از چند جهت دارای ارزش و اهمیت بی‌بدیل است. این سفر:
- قبل از گردش در آفاق، فرصتی است طلایی برای سیر در درون با نگاه در حال خویشستن، شور معنویت انگیختن، دل به دریای معارف میقات زدن، جامه ردیلت از تن افکندن و احرام فضیلت بستن، بر گرد حریم دوست گشتن، در صفا جان خود صفا بخشیدن، در مروه کوتاه آمال دنیا وانهادن، در چشمه‌سار زمزم جرعه‌نوش معرفت و محبت شدن، و خلاصه آن‌که عشق‌آفرین‌ترین صحنه زندگی را گواه گشتن.
  - گذری است بر سرزمین‌های مبارکی که جای جای آن یادآور شکوه خاطرات طلوع خورشید اسلام در یلدای جاهلیت است. هنوز طنین ندای پیامبر صادق و نوای یاوران راستین او از ورای قرون و اعصار گوش جان را نوازش می‌دهد. این امر پرواز دل را میسر می‌گرداند و پیوند نسل‌های نخستین و پسین امت اسلامی را تحکیم می‌بخشد.

• هنگامه دیدار است با انبوه حجّاج و عمره‌گذاران بیت عتیق از ملیّت‌های گوناگون که با عاطفه و احساس مشترک از جمله اقطار یک‌جا گرد آمده‌اند، و در صف متحد صلاّی عشق و وحدت سر می‌دهند، برق نگاه محبت‌آمیز به یکدیگر خیره کرده‌اند و ملتسمانه همدیگر را به تلاش مشترک برای تجدید بنای پر شکوه فرهنگ و تمدن اسلامی فرامی‌خوانند.

از جمله مسائلی که توجه هر ناظر تیزبین و هوشیار را برمی‌انگیزد، گوناگونی حاصل در رفتارهای انبوه زائران و حاضران در این سرزمین است. آنان به رغم آن که جملگی در باور به حقیقت وحی و اسلام هم‌سویند و به سوی یک قبله نماز می‌گزارند و بر گرد نماد توحید به یک سمت می‌چرخند و در انبوهی از مسائل سلوک یکسان دارند لیکن اختلاف و تفاوت در چندی از باورها و رفتارها به حدّی هست که بتوان هویت متمایز آنها را در کنار اصالت مشترک گواه گشت.

همان قدر که صحنه‌های وحدت و یک‌رنگی شورآفرین است، مظاهر اختلاف و گوناگونی تأمل برانگیز. در این بین پرسش از چیستی اختلاف‌ها به طور طبیعی در دل و جان و اندیشه جوان برانگیخته می‌شود. او می‌پرسد: منشأ این چندگانگی چیست؟ این تفاوت‌ها اصیل و ریشه‌دار است یا سطحی و گذرا؟ در برابر چندگانگی مذهبی چه باید کرد؟ آیا بایستی اعتراض برآورد یا به عنوان واقعیّتی

تاریخی به آن باور آورد؟ آیا راهی به سوی محو اختلافها و یکسان‌سازی مذاهب وجود دارد؟ آیا با وجود این تفاوت‌ها باز هم می‌توان سودای وحدت در سر داشت یا باید ختم آن را نظاره‌گر شد؟ و اساساً کدامین تفسیر از وحدت و وفاق با پذیرش کثرت و اختلاف گرد می‌آید؟

در پی آن ذهن جست‌وجوگر به حال خویش نظر می‌کند و در صدد بر می‌آید هویت مذهبی و تاریخی خود را مورد بازخوانی قرار دهد. از چیستی تشیع، مبدأ پیدایش و سیر تاریخی تحوّل آن، اصول و مقومات و عناصر گوهری فکر و عقیده شیعی می‌پرسد، و کدام فرصت نیکوتر از این برای دست یازیدن به مطالعه و تحقیق و یافتن پاسخهای مدلل و متین برای این پرسشها؟

به این بهانه بر آن شدیم مجموعه‌ای مختصر در معرفی سیمای تشیع گردآوریم و در این مجموعه برای این دست پرسشها، جواب یابیم. مجموعه فرا رو که به کوشش محقق فاضل جناب آقای علی بابائی و با نظارت این جانب فراهم آمده است، محصول ارزنده‌ای است که سه مزیت ایجاز و اختصار، جامعیت موضوعات، و تحقیق نیکو را یکجا گردآورده است. مطالعه آن ضمن آن که پاسخگوی بسیاری از پرسشهای پیش‌گفته ومانند آن است می‌تواند شوق مطالعه و تحقیق افزونتر و وسیع‌تر را هم در درون جان خواننده برانگیزد.

از خالق خویش تمنای آن داریم که این تلاش ناچیز را خدمتی شایسته به ساحت حقایق ناب اسلام و معارف اصیل مکتب پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام منظور دارد و آن را مصداق قول احسن و شایسته پیروی قرار دهد.

محمد تقی فخلعی  
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

**آشنایی با  
تقریب مذاهب اسلامی**



### ۱. مقصود از تقریب مذاهب اسلامی چیست؟

به نظر می‌رسد با وجود تأکیدی که در زمان ما بر مسأله تقریب مذاهب اسلامی می‌شود، تاکنون تعریف یکسانی از آن ارائه نشده است؛ یا به عبارت دقیق‌تر در مورد تعریف آن میان صاحب‌نظران مسلمان اتفاق نظری به چشم نمی‌خورد.

برخی می‌پندارند مقصود از تقریب آن است که در میان مذاهب متعدّد اسلامی، یک مذهب به عنوان اصل، و معیار سنجش معرفی شود و مذاهب دیگر خود را با آن هم‌آهنگ کنند؛ در حالی که چنین پنداری نمی‌تواند تعریف صحیحی از تقریب به شمار آید. زیرا تردیدی نیست که پیروان هر یک از مذاهب اسلامی به گونه‌ی کاملاً طبیعی و قابل درک مذهب خود را مذهب برتر و معیار سنجش می‌شناسند و به راحتی نمی‌توانند از این باور دیرین به سود مذهب دیگری عدول نمایند. با این وصف به نظر می‌رسد که چنین تصویری از تقریب نه تنها به وحدت مسلمین نمی‌انجامد که

بالعکس زمینه نزع مذهبی و اختلاف بیش از پیش آنان را فراهم می‌نماید.

برخی دیگر بر آنند که مقصود از تقریب از یاد بردن مسائل اختلافی و تأسیس مذهبی نوین بر پایه مشترکات مذاهب اسلامی است. اما به نظر می‌رسد که این نظریه نیز غیر قابل قبول و دچار تناقضی آشکار است. زیرا تردیدی نیست که مسائل شرعی مورد اختلاف به هر حال بخشی از شریعت اسلام را تشکیل می‌دهند و از یاد بردن آن‌ها دقیقاً به معنای وانهادن بخشی از دین است که به هیچ روی قابل قبول نمی‌باشد. به دیگر سخن، ما نمی‌توانیم پاره‌ای از عقاید و احکام اسلامی را به خاطر آن که مورد اختلاف مذاهب قرار دارند نادیده بگیریم و چشم خود را به روی آن‌ها که خواه ناخواه بخشی از اسلام هستند ببندیم. چنین کاری بیشتر تخریب مذاهب به نظر می‌رسد تا تقریب مذاهب! و به تعطیل شریعت می‌انجامد.

برخی دیگر گمان می‌کنند که مقصود از تقریب گونه‌ای آزادی مذهبی است. به این معنا که هر مسلمانی در انتخاب هر یک از مذاهب اسلامی آزاد باشد و بتواند در هر مسأله‌ای به هر کدام از مذاهب که خواست رجوع کند. اشکالی که در این تعریف مطرح می‌شود آن است که چه ملاکی برای انتخاب و رجوع به یک مذهب وجود دارد؟ اگر انتخاب یک مذهب بی‌قاعده و بدون ملاک مشخص باشد و



رجوع به هر یک از مذاهب بر پایه سلايق شخصی انجام شود گونه‌ای هرج و مرج مذهبی به وجود می‌آید که نتایج زیانبار فراوانی برای فرد و جامعه خواهد داشت.

برخی دیگر می‌پندارند که تقریب مذاهب اسلامی صرفاً تدبیری سیاسی و اقدامی مصلحت‌اندیشانه در برابر دشمنان مشترک اسلام و مسلمین است. به این معنا که هر چند اختلافات موجود ذاتاً عمیق و غیر قابل اصلاح است اما شرایط فعلی جهان اسلام پرهیز از تشتت و وحدت مسلمین را به عنوان امری عرضی ایجاب می‌کند. هر چند از ظاهر گفتار بسیاری از صاحب‌نظران اسلامی چنین تعریفی برداشت می‌شود ولی نمی‌توان اشکالات موجود در آن را نادیده گرفت. به عنوان نمونه، اگر تقریب مذاهب اسلامی مولود شرایط فعلی جهان اسلام باشد با تغییر احتمالی شرایط ضرورت خود را از دست خواهد داد، و این به معنای بازگشت به تفرقه و از دست دادن وحدت است که در هیچ حالی مطلوب به نظر نمی‌رسد. از این گذشته، تجربه نشان داده است کسانی که به تقریب مذاهب اسلامی از چنین زاویه‌ای می‌نگرند در عمل کاری از پیش نبرده‌اند و ناکام مانده‌اند.

به نظر می‌رسد مقصود از تقریب، تعامل علمی و عملی مذاهب اسلامی بر مبنای مشترکات و احترام متقابل است که با احساس اخوت و تسامحی معقول و شیوه‌ای عالمانه،

برکنار از احساس نفرت و عاری از تعصبات غیرمنطقی و به دور از روشی عوامانه حاصل می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، تقریب مذاهب اسلامی به معنای ترویج فرهنگ گفت‌وگوی صحیح و سازنده بر اساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک یکدیگر و دستیابی به رشد علمی و مذهبی است. بنابراین، مذاهب اسلامی می‌توانند ضمن پای‌بندی به مبانی و دیدگاه‌های خود در سایه تعامل منطقی و گفت‌وگوی علمی یکدیگر را درک کنند و به هم نزدیک شوند. انصاف آن است که بسیاری از آن‌چه اختلافات جدی تلقی شده تنها سوء تفاهم‌هایی بوده که در نتیجه دوری مذاهب از یکدیگر و عدم تعامل و گفت‌وگو به وجود آمده است. اینان به خاطر عدم ارتباط کافی و صحیح درک درستی از مبانی و دیدگاه‌های یکدیگر نداشته‌اند و به تعبیر قرآن کریم تنها از گمانها پیروی کرده‌اند: ﴿و ما لهم بذكر من علم إن هم إلا یظنون﴾<sup>۱</sup>؛ آن‌هم گمانهای بد که مورد نهی قرآن کریم واقع شده است: ﴿یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إن بعض الظنّ إثم﴾<sup>۲</sup>. به این ترتیب، راز تقریب مذاهب را در گفت‌وگوی مذاهب باید جست.



۱. جائیه/۲۴.

۲. حجرات/۱۲.

## ۲. اصول و مبانی تقریب چیست؟

منظور از اصول و مبانی تقریب عواملی است که تقریب مذاهب اسلامی بدون آن‌ها میسر نمی‌شود. این عوامل را این‌گونه می‌توان ذکر کرد:

۱-۲. پذیرش کثرت و اختلاف؛ به این معنا که اختلاف نظر میان انسان‌ها یک واقعیت طبیعی و غیر قابل انکار است، و مادامی که به درگیری‌های غیر منطقی و خروج از موازین انسانی نینجامیده، ذاتاً خوب و منشأ برکات فراوان است. اختلاف نظر میان مذاهب اسلامی نیز هرگاه مبتنی بر اصول و مبانی تقریب باشد نه تنها زیانبار نیست بل که می‌تواند منشأ رشد و پویایی امت و مقدمه تکامل و ترقی مسلمین باشد.

۲-۲. اعتقاد به گفت‌وگو؛ به این معنا که مذاهب مختلف اسلامی به بحث و گفت‌وگوی علمی و منطقی با یکدیگر معتقد و علاقه‌مند باشند؛ بحث و گفت‌وگویی برادرانه در راستای ارزیابی منصفانه آراء و عقاید یکدیگر و به دنبال کسب فائده علمی و دینی با رعایت ادب اسلامی و احترام متقابل. روشن است که چنین گفت‌وگویی به سود همه مذاهب اسلامی و گامی بلند به سوی وحدت حقیقی مسلمین است.

۲-۳. تأکید بر مشترکات؛ به این معنا که مذاهب

مختلف اسلامی پیوند خود را با یکدیگر فراموش نکنند و مشترکات را اندک و اختلافات را بسیار نپندارند. هر چند حساسیت حاصل از اختلافات مذهبی در بسیاری از مواقع مشترکات را تحت پوشش قرار داده، اما این یک واقعیت غیر قابل انکار است که عمده مبانی و اصول مذاهب اسلامی مشترک است، و این واقعیت ارزش آن را دارد که مورد تأکید قرار گیرد و تعامل و گفت‌گویی مذاهب را ممکن سازد. از این گذشته، همه مذاهب اسلامی با هر برداشت و رویکردی هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن همانا عبادت پروردگار یکتا در سایه شریعت واحد است، و این می‌تواند در اصلاح نگرش آنان نسبت به یکدیگر تأثیرگذار باشد.

۲-۴. رعایت اخلاق اسلامی؛ به این معنا که مذاهب اسلامی به خُلق عظیم، و رأفت و مهربانی پیامبر رحمت ﷺ متخلّق باشند و ضمن زینت یافتن به فضائلی چون میانه‌روی، شکیبایی، خویش‌داری، ادب، مدارا و تسامح، خود را از ردائل نفسانی چون عصبیت، خشم، کینه، دشنام و لجاجت وارسته سازند. در سایه چنین تزکیه معنوی زمینه رشد و تکامل مسلمین و تقریب مذاهب اسلامی فراهم خواهد شد.



### ۳. آیا تقریب مذاهب اسلامی ممکن و جایز است؟

گفتنی است، تقریب مذاهب اسلامی همچنان که موافقان و منادیان فراوانی در کشورهای مختلف اسلامی دارد، با مخالفت برخی اندیشمندان مسلمان نیز مواجه است. مخالفت اینان به دو پندار متفاوت باز می‌گردد: برخی تقریب مذاهب اسلامی را ناممکن می‌پندارند، و برخی آن را اساساً جایز نمی‌شمارند. ما در این جا هر یک از این دو پندار را به اختصار بررسی می‌نماییم.

۳-۱. امکان تقریب مذاهب اسلامی؛ پیشتر گفتیم که هر چند میان مذاهبی چون شیعه و سنی پاره‌ای اختلافات جدی وجود دارد، اما عمده اصول و مبانی اعتقادی، و بسیاری از آراء فقهی و دیدگاههای اخلاقی آنها با یکدیگر برابر است. همه مذاهب اسلامی خدای واحدی را می‌پرستند و از پیامبر واحدی پیروی می‌کنند و کتاب آسمانی واحدی را می‌خوانند و به سوی یک قبله نماز می‌گزارند و در اصولی چون نماز و روزه و زکات مشترکات فراوانی دارند و هر سال در مراسم حج، امت واحد و صفوف یکپارچه‌ای را به نمایش می‌گذارند، و در لزوم رعایت اخلاق حسنه و پرهیز از ردائل نفسانی اختلافی ندارند، و این برای امکان تقریب آنها به یکدیگر کافی به نظر می‌رسد. و چگونه چنین نباشد؟! در حالی که خداوند ﷻ در قرآن کریم همه

موحدان و خداپرستان عالم از مسلمان و غیر مسلمان را صرفاً با اتکاء به کلمه توحید به سوی وحدت و همبستگی فراخوانده و فرموده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَا مُسْلِمُونَ﴾<sup>۱</sup>. پس هرگاه تقریب مذاهب توحیدی در سایه «کلمه سواء» (= یک باور مشترک) ممکن باشد، به طریق اولی تقریب مذاهب اسلامی در سایه انبوه باورهای مشترک ممکن خواهد بود؛ و این آرمانی است که با گفت‌وگوی میان آنان - چنانچه گفتیم - حاصل خواهد شد.

۳-۲. روا بودن تقریب مذاهب اسلامی؛ تردیدی نیست که مخالفت برخی پیروان مذاهب اسلامی با تقریب و روا ندانستن آن از حیث مذهبی زاده برداشت نادرستی است که از این موضوع داشته‌اند. چراکه اینان غالباً تقریب مذاهب را به معنای انفعال مذاهب در برابر یکدیگر، و مستلزم دست شستن از پاره‌ای عقاید و دیدگاه‌های اساسی هر مذهب به سود مذهب دیگر انگاشته‌اند. در حالی که ما از این مقوله تعریف متفاوتی ارائه دادیم، و گفتیم که تقریب مذاهب اسلامی اساساً چیزی جز تعامل و گفت‌وگوی مفید و قانون‌مند مذاهب نیست؛ چیزی که ریشه در فرهنگ اصیل

اسلامی و آموزه‌های قرآن کریم دارد. البته ممکن است جریان‌هایی وجود داشته باشند که اساساً گفت‌وگوی مذاهب اسلامی را نیز بر نمی‌تابند و هر گونه تعامل غیر خصمانه با افکار دیگر را روا نمی‌شمارند. اینان گفت‌وگو و تعامل علمی با سایر مذاهب را قرار دادن مذهب خود در معرض خطر، و زمینه‌شک در دین و گمراهی مذهبی می‌پندارند. اما ناگفته پیداست که چنین توهّم نامبارکی نه تنها هیچ مبنای درستی در کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و سیره اهل بیت علیهم السلام و منش سلف صالح ندارد، که گونه‌ای گریز از واقعیت‌ها و چشم بستن به روی حقیقت و سدّ باب علم و هدایت است. کسانی که چنین اوهامی را ترویج می‌دهند خود بیش از دیگران به سستی منطق و ضعف مبانی و دیدگاه‌های مذهبی خود واقف‌اند، لذا طبیعی است که از مغلوب شدن در عرصه بحث و گفت‌وگو بیمناک باشند. هر چند چنین پندار بی‌اساسی چندان تازه به نظر نمی‌رسد. متأسفانه در تاریخ اسلام با نمونه‌های تاریکی روبه‌رو می‌شویم که برخی جریانها و شخصیت‌های مذهبی از هر گونه پاسخگویی به پرسش‌های دیگران طفره رفته‌اند و حتی پرسش از چرایی باورها را گونه‌ای بدعت و نشان گمراهی پنداشته‌اند و با آن به گونه غیر قابل درکی برخورد کرده‌اند! اما خوشبختانه در کنار چنین نمونه‌های غم‌انگیزی نمونه‌های روشنی نیز دیده می‌شود که نشان می‌دهد

پیشوایان مذاهب اسلامی با یکدیگر تعامل و گفت‌وگو داشته‌اند و از پرسشهای علمی گوناگون استقبال نموده‌اند و از تکفیر و تحقیر یکدیگر پرهیز کرده‌اند. به گواهی تاریخ، در رأس این پیشوایان اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند که همواره ابواب خانه‌هاشان به روی همه امت و عموم طالبان علم و معرفت از مذاهب و حتی ادیان گوناگون گشوده بود و از گفت‌وگو با آنان و پاسخگویی به پرسشهای مختلفشان استقبال می‌نمودند، و بسا شاگردان خود را نیز به حضور در جامعه اسلامی و گفت‌وگوی علمی با مذاهب مختلف تشویق می‌کردند.

بدین ترتیب، روشن می‌شود که تقریب مذاهب اسلامی به معنای ترویج فرهنگ گفت‌وگوی صحیح و سازنده، نه تنها ممکن و جایز است، که کاری بسیار ضروری و شایسته می‌باشد. در این باره مرحوم سید شرف الدین (د. ۱۳۷۷ق) از پیشگامان نهضت تقریب در سده اخیر کتابی با عنوان *الفصول المهمة فی تألیف الأمة نگاشته*، و در آن با تفصیل بیشتری بر ضرورت و امکان تقریب مذاهب اسلامی پای فشرده است.<sup>۱</sup>



۱. السید شرف الدین، الفصول المهمة فی تألیف الأمة، قسم الإعلام الخارجي لمؤسسة البعثة.



#### ۴. موانع تقریب کدام است؟

پس از روشن شدن مفهوم تقریب و امکان و ضرورت آن، این پرسش مطرح می‌شود که چه موانعی مذاهب اسلامی را از پیمودن این راه نیکو باز داشته، و همواره بر اختلافات میان آن‌ها دامن زده است؟ پاسخ این پرسش را بدین گونه باید داد:

۴-۱. موانع اخلاقی؛ اگر رعایت اخلاق اسلامی یکی از اصول و مبانی تقریب است، طبیعی است که عدم رعایت آن یکی از موانع تقریب باشد. انصاف آن است که این مانع را باید از مهم‌ترین و مؤثرترین موانع تقریب به شمار آورد. تعصب بیش از حد چیزی است که دیده انصاف را فرو می‌بندد، و تحجر و لجاجت چیزی است که گوش منطق را گران می‌گرداند. خشم، کینه، دشنام و خشونت نیز در خلأ منطق و انصاف بروز می‌نماید، و راه را از هر طرف به روی تقریب می‌بندد. تکفیر مذاهب و شخصیت‌های اسلامی همواره بازیچه دست کسانی بوده است که در عرصه منطق و اخلاق کم آورده‌اند و از خشونت بی‌مورد رنج می‌برند. اینان به جای انتقاد توهین می‌کنند و به جای بررسی تهمت می‌زنند و از گفتن دروغهای بزرگ و دادن نسبت‌های نادرست باکی به خود راه نمی‌دهند. در برابر اینان، عالمان راستین مذاهب اسلامی قرار داشته‌اند که هر یک افزون بر

علم، در عرصه اخلاق و تزکیه نفس نیز برجسته بوده‌اند و به افتادگی، تواضع، ادب و خویشن‌داری شناخته شده‌اند. تبعاً شیعیان و سنیانی که از چنین عالمان عاملانی تأثیر می‌پذیرند در تعامل برادرانه و ارتباط دوستانه با یکدیگر مشکلی نخواهند داشت و از هر گونه گفتار تند و رفتار خصمانه نسبت به یکدیگر که زینده انسان مسلمان نیست پرهیز خواهند نمود، و گفتار و رفتار نادرست برخی عوام ساده‌دل یا افراد غرض‌ورز را که از عنصر اخلاق بی‌بهره‌اند به پای یکدیگر نخواهند نوشت.

۴-۲. جهالت؛ این واقعیت قابل انکار نیست که بسیاری از موضع‌گیری‌های خصمانه برخی مذاهب در برابر برخی دیگر نتیجه بی‌خبری از عقاید و دیدگاه‌های راستین یکدیگر است. اینان از آن‌جا که هیچ‌گاه به یکدیگر نزدیک نشده‌اند و با هم گفت‌وگو نکرده‌اند از مواضع یکدیگر مطلع نشده‌اند و تنها از گمانهای باطل و پیش‌ذهنیتهای نادرست پیروی نموده‌اند. به عنوان نمونه، بسیاری از باورهای شگفت و دیدگاه‌های نادرستی که اهل سنت به شیعه نسبت می‌دهند، نظیر اعتقاد به تحریف قرآن و خیانت جبرئیل در وحی هیچ اساسی در مذهب شیعه ندارد و بهتان صرف است. اما متأسفانه همین تصویر موهوم و ذهنیت بی‌اساس از عقاید و دیدگاه‌های شیعه - که ممکن است حاصل

غرض‌ورزی و دسیسه‌دشمنان اسلام بوده باشد - برخی مفتیان سنّی را از دیرباز به اشتباه انداخته و به موضع‌گیری‌های تند و خشن در برابر مذهب شیعه واداشته است. تردیدی نیست که گفت‌وگوی صحیح و سازنده میان شیعه و اهل سنّت به آسانی نشان خواهد داد که چنین موضع‌گیری‌های عجولانه‌ای تنها یک سوء تفاهم و برخاسته از یک جهل تاریخی نسبت به مذهب شیعه بوده است.

۳-۴. تعصّب جاهلانه؛ یکی از مهم‌ترین موانع تقریب مذاهب اسلامی تعصّب‌های جاهلانه برخی پیروان مذاهب نسبت به عقاید و دیدگاه‌های خود است. چنین تعصّب‌هایی امکان ارزیابی بی‌طرفانه و داوری منصفانه را سلب می‌کند و تقلید را بر جای تحقیق و خشونت را بر جای اعتدال و لجاجت را بر جای انصاف می‌نشانند. قرآن از چنین تعصّب‌هایی با عنوان «الحمیة الجاهلیة» یاد کرده و آن را از ویژگی‌های کفّار و نه مسلمین بر شمرده است.<sup>۱</sup> در حالی که خردورزی و آزاداندیشی را ویژگی بندگان ره‌یافته‌ی خداوند دانسته و آنان را که بر کنار از تعصّب‌های جاهلانه نظرات

۱. «إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية الجاهلية فأنزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين وألزمهم كلمة التقوى وكانوا أحقّ بها وأهلها وكان الله بكلّ شيء عليماً» (فتح/۲۶).

مختلف را می‌شنوند و از نظر درست‌تر پیروی می‌نمایند بشارت داده است.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام نیز پیشوای متعصبان و بنیان‌گذار تعصب جاهلانه را شیطان دانسته،<sup>۲</sup> و تأکید فرموده که تعصب در میان مسلمانان نتیجه دست‌اندازی‌ها و دسیسه‌های شیطانی است.<sup>۳</sup> آن حضرت پیروان خود را از چنین تعصبی بر حذر داشته و آن را زمینه‌ساز دشمنی و دام شیطان برشمرده که امت‌های پیشین و قرون گذشته را فریفته ساخته است.<sup>۴</sup> امام جعفر صادق علیه السلام نیز عصیّت را از سپاهیان جهل دانسته و یک جا در برابر انصاف، و جای دیگر در برابر همبستگی یاد فرموده است.<sup>۵</sup> چنین تعصبی در نزد شیعه تا اندازه‌ای مورد نکوهش بوده که مرحوم کلینی در کتاب کافی بابی را به ذکر احادیث مربوط به آن اختصاص داده است.<sup>۶</sup>

۴-۴. دسیسه دشمنان؛ اگر نیمی از اختلافات تاریخی

۱. «فبشر عباد \* الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هداهم الله وأولئك هم أولوا الالباب» (زمر/۱۸).
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸/۲، تحقیق محمد عبده، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۲ق.
۳. همان، ۱۴۱/۲.
۴. همان، ۱۴۲/۲.
۵. البرقی، المحاسن، ۱۹۷/۱، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۰ش؛ کلینی، کافی، ۲۲/۱ و ۲۳، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ش.
۶. نک: کافی، باب العصیّة، ۳۰۷/۲.

میان مذاهب اسلامی زادهٔ ضعف‌های اخلاقی، جهالت‌ها و تعصّب‌های برخی پیروان مذاهب اسلامی بوده باشد، بی‌تردید نیم دیگر محصول توطئهٔ دشمنان اسلام بوده است؛ دشمنانی که منافع سیاسی و نامشروع خود را در گرو اختلاف مسلمین و درگیری‌های مذهبی می‌یافته‌اند و با سوء استفاده از ضعف‌های اخلاقی، جهالت‌ها و تعصّب‌های مردم موانع فراوانی بر سر راه تقریب مذاهب اسلامی قرار داده‌اند. بی‌تردید بزرگترین دشمن اسلام و مسلمین که نقش غیر قابل انکاری در نهادینه شدن تفرقه و اوج‌گیری درگیری‌های مذهبی در طول تاریخ اسلامی داشته شجرهٔ ملعونهٔ بنی‌امیه بوده است. هر چند بسیاری از اهل سنت نظر به باور قابل انتقاد خود دربارهٔ عدالت صحابه و وجوب پیروی از حاکمان جائز، این واقعیت تاریخی را نادیده می‌گیرند، اما تردیدی نیست که معاویه و حزب او و فرزند شومی که بر جامعهٔ اسلامی مسلط ساخت، با برافروختن آتش جنگ داخلی، و برپاساختن فتنهٔ مسلمان‌کشی، و تخریب و تضعیف پیشوایان مشروع مسلمین مانند امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام، و تطمیع و تهدید یاران ایشان، و ترور شخصیت‌های پاک و برجسته‌ای از صحابه و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و در رأس آنان امام حسین علیه السلام و با سوار شدن بر روی احساسات مردم ساده‌لوح و تحریک آنان بر ضدّ اهل بیت علیهم السلام، و

ترویج نفرین و دشنام‌گویی در مساجد و منابر، و گسترش فساد اخلاقی و سیاسی، و تبدیل خلافت اسلامی به پادشاهی موروثی، و تحکیم پایه‌های زورگویی و بهره‌کشی، و سلب امنیت مخالفان و قتل و غارت و ظلم به پیروان برخی مذاهب اسلامی به ویژه شیعیان و جنایات هولناک دیگر که برای هر کدام اسناد و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد، بیشترین و ژرفترین تأثیر را در پیدایش انحراف و ظهور برداشتهای جاهلانه از دین و گسترش دسته‌بندی‌ها و نزاع‌های مذهبی در میان مسلمین داشته‌اند.

پس از بنی امیه بنی عباس نیز به این راه ناهموار ادامه دادند و با سیاست‌هایی نه چندان متفاوت، شکافهای موجود میان مذاهب اسلامی را افزودند و به ویژه با جانب‌داری‌های سیاسی و یک‌سویه از برخی مذاهب اسلامی و مبارزه با مذاهب دیگر پیوند امت را بیش از پیش گسستند. نمونه برجسته این سیاست نامبارک، حمایت همه جانبه از مذهب معتزله در برابر مذهب اهل حدیث تا پیش از متوکل عباسی، و سپس تغییر موضع ناگهانی به سود اهل حدیث و مبارزه بی‌رحمانه با معتزله از زمان متوکل بود. بنابر نظر نگارنده، این دو جانب‌داری از سیاست واحدی پیروی، و اهداف مشخصی را دنبال می‌کرد؛ و آن همانا حفظ گسسته‌ها و اختلافات مذهبی برای اشتغال مردم و بقای حکومت

نامشروع عباسیان بوده است. اینان نه به مبانی و دیدگاه‌های مذهبی معتزله باور داشته‌اند و نه برای مبانی و دیدگاه‌های مذهبی اهل حدیث دل سوزانده‌اند؛ اینان منافع سیاسی خود را دنبال می‌کرده‌اند و هر دو گروه را به یک میزان دشمن می‌داشته‌اند.

پس از پایان سلسله عباسیان و دگرگونی‌های بنیادین در دستگاه خلافت، باز هم بسیاری از ارباب قدرت و سیاست به راه گذشتگان رفتند و در راستای اصلاح وضعیّت موجود هیچ گامی برنداشتند. گویی اینان نیز منافع خود را در گرو اختلاف امت می‌یافته‌اند و با به راه انداختن نزاع‌های بعضاً خونین مذهبی اهداف مشابهی را دنبال می‌کرده‌اند. در این راستا می‌توان به تقابل تاریخی دولت صفوی از یک سو و دولت عثمانی از سوی دیگر اشاره کرد.

متأسفانه این روند تاریخی را سر ایستادن نیست، و اکنون شاهد آنیم که افزون بر زورمندان شرق و غرب که اساساً با اسلام و نوع نگرش آن مشکل دارند، برخی از دولت‌های اسلامی نیز بی‌توجه به مصالح دراز مدّت خود بر اختلافات قومی و مذهبی جهان اسلام دامن می‌زنند، و خواسته یا ناخواسته در راستای اهداف شوم مستکبران و برتری‌جویان حرکت می‌کنند.

در این جا باید اشاره کرد که جریان وهابی معاصر به

عنوان مجموعه شومی که همه موانع تقریب از ردائل اخلاقی، جهالت، تعصب جاهلانه و دسیسه دشمنان را گرد آورده است سدّ سترگی در برابر تقریب مذاهب اسلامی است. این جریان افراطی که با تفصیل بیشتری درباره آن سخن خواهیم گفت، با مشرک دانستن مسلمین و معامله کفار با کسانی که مبانی عجیب اندیشه وهابی را نمی‌پذیرند، عملاً هیچ راهی برای گفت‌وگو و تعامل صحیح و سازنده مذاهب باقی نمی‌گذارد. امروز در رأس فتنه‌گران جهان اسلام، مفتیان کج‌اندیش وهابی قرار دارند که گویی جز تکفیر و تفسیق و حکم قتل و غارت چیزی نیاموخته‌اند و دستان خود و پیروان ساده‌لوح خویش را تاکنون به خون سدها نفر مسلمان بی‌گناه آلوده‌اند و اکنون نیز هر از چند گاهی از گوشه و کنار فتنه‌ای تازه بر پا می‌کنند و غوغایی نو علیه برخی مذاهب اسلامی به ویژه شیعه به راه می‌اندازند.





## ۵. مراسم سالانه حج و گردهم‌آیی میلیون‌ها انسان مسلمان در حرمین شریفین چه نقشی در تقریب مذاهب اسلامی می‌تواند داشته باشد؟

مراسم سالانه حج، به معنای اجتماع معنوی و باشکوه امت مسلمان از هر رنگ و نژاد و سرزمین و مذهب مختلف برای عرض بندگی به درگاه پروردگار یکتا با گفتار و کردار و ظاهر یکسان، و عمل به سنت پیامبر واحد، و طواف به گرد قبله مشترک، و لَبَّیک گفتن به ندای توحید در صفوف یکپارچه، بستری بسیار مناسب برای تقریب مذاهب اسلامی است. حج، نماد وحدت مسلمین است؛ نمادی که از یک سو مسلمانان را به یاد هویت اصیل و پیشینه مشترک خویش می‌اندازد و از سوی دیگر قدرت اسلام و همبستگی مسلمین را در معرض دید جهانیان قرار می‌دهد و کاخ دشمنان اسلام را در شرق و غرب به لرزه درمی‌آورد. مراسم عمره نیز که گردهم‌آیی میلیون‌ها انسان مسلمان و شیفته آرمانهای اسلامی در حرمین شریفین را در خود دارد دریچه‌ای دیگر برای همین پرواز است. اگر به این مراسم عظیم معنوی از چنین زاویه‌ای بنگریم آن را بهترین فرصت برای تقریب مذاهب اسلامی و ترویج فرهنگ گفت‌وگو خواهیم یافت. بی‌جهت نیست که مراسم حج و عمره از دهه‌های نخستین اسلامی همواره موعد دیدار عالمان مذاهب و محفل

گفت‌وگوی صحیح و سازنده آنان و افاده و استفاده علمی و دینی بوده است. برای این ادعا شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که می‌سزد در طرحی پژوهشی با موضوع بررسی نقش تاریخی مراسم حج در پیشرفت علوم و مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱</sup>



---

۱. برای آشنایی بیشتر با مسئله تقریب مذاهب اسلامی ر.ک: فخلعی، مجموعه گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، نشر مشعر، ۱۳۸۳ ش.

## فهرست منابع

### القرآن الكريم

- نهج البلاغة، تحقيق محمد عبده، دار الذخائر، قم، ١٤١٢ق  
١. البرقى، احمد بن محمد؛ المحاسن، دار الكتب  
الإسلامية، تهران، ١٣٧٠ش  
٢. شرف الدين، عبدالحسين؛ الفصول المهمة فى تأليف  
الأمة، قسم الإعلام الخارجى لمؤسسة البعثة.  
٣. فخلعى، محمد تقى؛ مجموعه گفتمان هاى مذاهب  
اسلامى، نشر مشعر، ١٣٨٣ش  
٤. الكلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى، دار الكتب  
الإسلامية، تهران، ١٣٦٣ش